

جندی شاپور در روزگار ساسانیان؛ به روایت منابع اسلامی

فرزانه رحمتی پور^۱

اعظم علیپور^۲

چکیده

با توجه به اطلاعاتی که از منابع تاریخی به دست می‌آید، جندی شاپور به‌عنوان یکی از شهرهای مهم دوره ساسانی از نظر علمی شناخته می‌شده است. با توجه به این جایگاه در دوران پیش از اسلام در این پژوهش سعی شده است تا دیدگاه مورخان نخستین اسلامی در مورد شهر جندی شاپور شناسایی شود؛ از جمله اطلاعات مهم منابع درباره جندی شاپور اشاره به چگونگی شکل‌گیری این شهر است. هم‌چنین منابع اطلاعات قابل توجهی از وضعیت علمی جندی شاپور تا پیش از فتح آن توسط اعراب ارائه کرده‌اند. فرضیه این پژوهش بر این موضوع استوار است که از جمله دلایل توجه مورخان اسلامی به این شهر مرکزیت علمی آن بوده است. بنیان این پژوهش بر روش بررسی تاریخی و رویکرد توصیفی - تحلیلی استوار است که برای گردآوری داده‌های مورد نظر به بررسی منابع تاریخی نخستین اسلامی پرداخته است. با توجه به اطلاعات حاصل از بررسی منابع این نکته آشکار می‌شود که مرکزیت علمی شهر جندی شاپور در حفظ نام این شهر در منابع اسلامی مؤثر بوده است، ضمن آنکه نبایست از رونق آن در دوران پادشاهان نخستین ساسانی غافل بود.

واژگان کلیدی: جندی شاپور، ساسانیان، شاپور یکم، مورخان اسلامی.

۱ - کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان farzanehrahmatipoor@gmail.com

۲ - کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه تهران

مقدمه

جندی‌شاپور شهر دانشمندان ایران پیش از اسلام بوده است. برای شناخت بهتر این شهر، شناخت موقعیت جغرافیایی آن امری ضروری است. شهر کهن و تاریخی جندی‌شاپور در نزدیکی شوشتر در استان خوزستان واقع بوده که اکنون ویرانه‌هایی از آن برجای مانده است. این منطقه یکی از کانون‌های شهرنشینی ایران در جنوب غربی قلمرو ساسانیان بوده است. درباره تأسیس شهر جندی‌شاپور باید گفت که این شهر در دوره شاپور یکم (۲۴۰-۲۷۰م) تأسیس شد، هرچند که قرن‌ها پیش از عصر ساسانی نیز در این منطقه شهری کهن وجود داشت، اما پس از شاپور یکم بود که جندی‌شاپور رونق گرفته و تبدیل به یکی از مراکز علمی در دوران پیش از اسلام شد. این پژوهش در پی شناسایی نگاه نخستین مورخان اسلامی نسبت به این شهر است.

پژوهش حاضر در سه بخش به عمده‌ترین مواردی که این مورخان در مورد تاریخ جندی‌شاپور در دنیای باستان نگاشته‌اند، پرداخته است. در ابتدا به شکل‌گیری و دوران شکوفایی جندی‌شاپور پرداخته شده و سپس به اهمیت این شهر به‌ویژه از نظر علمی اشاره شده است. در انتها نیز حوادث سیاسی مهمی که در روزگار ساسانیان در این شهر رخ داده است، مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- بنای جندی‌شاپور

گزارش‌های پراکنده نویسندگان مسلمان بنای جندی‌شاپور و رونق آن را به اسیران رومی که در جنگ‌های شاپور یکم با رومیان به اسارت درآمده بودند، پیوند می‌دهد.^۱ طبری گوید: «شاپور یکم این ناحیه را ولایت کرد و «به‌اندیو شاپور» نامید که معنی آن «به‌ازانطاکیه» باشد و شهرشاپور نیز نام گرفت و همان است که «جندی‌شاپور» خوانند و مردم اهواز آنجا را به نام

۱- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۸، ص ۱۹۵؛ ابن القفطی، تاریخ الحکماء، به کوشش بهین دارائی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۸۳.

جندی‌شاپور در روزگار ساسانیان؛ به روایت منابع اسلامی ۱۳

سرپرست بنا، بیل گویند»^۱. همچنین بر پایه گزارش طبری شاپور یکم پس از بیل، ناحیه‌ای بر شهر افزود و آن را به «به اندیو شاپور» یا «وه اندیو شاپور» یعنی «بهتر از انطاکیه شهر شاپور» نامید.^۲ حمزه اصفهانی اشتقاق آن را به فارسی چنین آورده که «اندیو» نام انطاکیه و «به» به معنی «بهتر» و مجموعاً یعنی «بهتر از انطاکیه است»^۳.

درباره نام «جندی‌شاپور» هم‌چنین نویسندگان مسلمان چنین نگاشته‌اند؛ به از اندیوشاپور، از شهرهای خوزستان و تعریب آن جندی‌شاپور است. اشتقاق آن در فارسی بدین سان است که «اندیو» نام انطاکیه و «به» به معنی «بهتر» و مجموعاً به معنای «بهتر از انطاکیه» است.^۴ برخی دیگر از نویسندگان مسلمان نیز نام محلی شهر را «نیلاب» یا «نیلاط» بیان کرده‌اند.^۵ طبری نیز می‌نویسد: «مردم اهواز آن را به نام سرپرست بنا، بیل گویند»^۶. در واقع به گزارش طبری اهوازیان آن را بیل می‌نامیدند. نام «بیل» منسوب به شخصی به همین نام بود که در گزارش داستان‌گونه‌ای در سن پیری هم‌زمان با تصمیم شاپور به بنای شهر به دستور پادشاه ساسانی خواندن و نوشتن آموخت و به ثبت حساب و هزینه‌های شهر گماشته شد. در ادامه طبری بیان می‌دارد که شاپور یکم پس از بیل ناحیه‌ای بر شهر افزود و آن را به «به اندیو شاپور» یا «وه اندیوشاپور» نام‌گذاری کرد.^۷

درباره بنای شهر جندی‌شاپور مورخان مسلمان مطالب زیادی نگاشته‌اند، مضمون مشترک این نقل‌قول‌ها این است که چون شاپور، دختر فیلیپ و به اعتقاد برخی (اورلیانوس) قیصر روم را به

۱ - محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵۹۳.

۲ - تئودور نولدکه، تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب خوئی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۷۱.

۳ - حمزه اصفهانی، تاریخ پیامبران و شاهان، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۶۷، ص ۴۷.
۴ - حمزه اصفهانی، همانجا.

۵ - ابوحنیفه دینوری، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدی دامغانی، تهران: نشر نی، ۱۳۶۶، ص ۷۳.

۶ - طبری، همان، ج ۳، ص ۵۹۳.

۷ - نولدکه، همان، ص ۷۱.

۱۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

زنی گرفت، برای او شهری مانند بیزانس و انطاکیه بنا کرد و آن را جندی شاپور نام نهاد.^۱ طبری اذعان می‌کند که: «شاپور از جمله شهرهایی که گشود قالوقیه و قذوقیه (کلیکیه و کاپادوکیه) بود و در انطاکیه، والریانوس، پادشاه روم را محاصره کرد و به اسیری گرفت و با گروهی بسیار ببرد و به جندی شاپور مقرر داد».^۲ در ادامه طبق گزارش‌های پراکنده نویسندگان مسلمان، بنای جندی شاپور و رونق آن را به اسیران رومی که در جنگ‌های شاپور یکم با رومیان به اسارت درآمده بودند، نسبت می‌دهند. از همین رو برخی الگوی شهرسازی جندی شاپور را بر پایه شیوه‌های شهرسازی روم به انطاکیه می‌دانند.^۳ زیرا اسرای رومی در فعالیت‌های عمرانی به کار گمارده شدند و سهم عمده‌ای در فعالیت‌های عمرانی به‌ویژه ساخت بند و آبگیر ایفا نمودند.^۴ حمزه اصفهانی می‌نویسد: «بنای این شهر چون عرصه شطرنج است که در میانه آن هشت راه در هشت راه نهاده‌اند».^۵

ابن قفطی درباره نقش رومیان مهاجر در رونق علوم و فنون به‌ویژه پزشکی در جندی شاپور می‌نویسد: «بدانجا منتقل شدند و بعد از اقامت شروع نموده محصلان تازه‌وارد را تعلیم می‌نمودند و همواره کار طبابت در آن‌جا روزبه‌روز تضاعف و تزايد گرفت تا اکثر آن‌جا در صناعت فائق و سرآمد گشتند به حدی که جماعتی طریقه ایشان را بر طریقه یونانیان و هند ترجیح نهادند و دستورها و قانون‌ها ابداع نهادند».^۶

۲- اهمیت جندی شاپور طبق منابع نخستین مورخان اسلامی

نویسندگان مسلمان اهمیت جندی شاپور را به شکل‌های متنوعی بیان نموده‌اند. مسعودی

۱- طبری، همان، ج ۳، ص ۳۹۴؛ قفطی، همان، ص ۱۸۴؛ یعقوبی، همان، ج ۱، ص ۱۹۴.

۲- طبری، همان، ج ۳، ص ۵۹۰.

۳- قفطی، همان، ص ۱۸۳.

۴- مطهر بن طاهر مقدسی، آفرینش و تاریخ، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات آگه، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۱۳.

۵- حمزه اصفهانی، همان، ص ۴۸.

۶- قفطی، همان، ص ۱۸۴.

جندی‌شاپور در روزگار ساسانیان؛ به روایت منابع اسلامی ۱۵

اینگونه بیان می‌کند که پادشاهان ساسانی از دوران شاپور یکم (۲۴۰-۲۷۰م) تا هرمزد دوم (۳۰۲-۳۰۹م) در جندی‌شاپور اقامت داشتند.^۱ طبق اشاره حمزه اصفهانی شاپور دوم که ۷۲ سال پادشاهی کرد از هنگام ولادت تا پایان سال سی‌ام زندگی‌اش در جندی‌شاپور اقامت داشت.^۲

طبق بیان بیضاوی چند شاه دیگر ساسانی نیز در جندی‌شاپور اقامت داشته‌اند از آن جمله؛ بهرام بن بهرام بن هرمز ملقب به سکانشاه است که دوران پادشاهی خود را در جندی‌شاپور گذراند؛ هم‌چنین هرمز بن نرسی بن بهرام که مدت سلطنت وی هفت سال و پنج ماه بود در جندی‌شاپور سپری شد.^۳ سکونت متمادی پادشاهان ساسانی در جندی‌شاپور اشاره به موقعیت استراتژیک این شهر دارد. ثعالبی این شهر را دارای استحکامات قابل‌توجهی می‌داند که تسخیر آن به آسانی ممکن نمی‌شده است.^۴ در واقع جندی‌شاپور به عنوان نقطه اتصال راه‌هایی بوده است که مغرب، جنوب و مرکز امپراتوری به آن‌جا منتهی می‌شده است.

جندی‌شاپور از نظر علمی نیز در دنیای باستان شهرت بسزایی داشته است. اصطخری آورده است که جندی‌شاپور شهری بزرگ و آباد بود، چنان‌که به مدت هفت قرن به عنوان یک مرکز بزرگ علمی شناخته می‌شد.^۵ زمینه‌های پیدایش مرکز علمی جندی‌شاپور را باید با تأسیس آن به دست شاپور یکم هم‌زمان دانست.^۶ این مرکز علمی و بخش‌های وابسته به آن در طی ۷۲ سال دوران زمامداری شاپور دوم و پادشاهی انوشیروان به عنوان یکی از معتبرترین مراکز

۱ - ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۴۸.

۲ - حمزه اصفهانی، همان، ص ۴۷.

۳ - ناصرالدین بیضاوی، نظام التواریخ، به کوشش میرهاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۸۲، ص ۴۰.

۴ - ابومنصور عبدالملک بن محمد ثعالبی، تاریخ ثعالبی، ترجمه محمد فضایی، تهران، نشر قطره، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۳۶.

۵ - اصطخری، مسالک الممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۷۰، ص ۳۸۶.

۶ - قفطی، همان: ص ۱۸۴.

۱۶ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

پزشکی و علمی دنیای باستان شناخته می‌شد. در واقع این مرکزیت علمی بعد از شاپور یکم تا آغاز حکومت شاپور دوم از رونق افتاد؛ اما هنگامی که شاپور دوم بر تخت نشست، این شهر موقعیت خویش را باز یافت.

در دوران خسرو انوشیروان پزشکان جندی‌شاپوری به دستور وی انجمنی تشکیل داده و در باب موضوعات پزشکی به مناظره و مباحثه پرداختند.^۱ ابن قفطی به گزارش مناظره‌های اطبای جندی‌شاپور در دوره خسرو اول اشاره نموده که «چنان‌که مطالعه کننده آن چون تأمل نماید هر آینه استدلال بر کمال فضل و ... ایشان خواهد کرد».^۲

از دانشمندان بزرگ جندی‌شاپور در عهد انوشیروان می‌توان جبرئیل، بیادق طبیب، سرجیس رأس‌العین و برزویه طبیب را نام برد. برزویه طبیب همانی است که به فرمان انوشیروان به هند رفت. او سرانجام موفق به دیدار با شاه هند شد. شاه دستور داد که کتاب کلیله و دمنه را به او بسپارد، به شرط آن‌که در حضور او کتاب را نگاه کند و از آن بهره‌برد، اما اجازه نسخه‌برداری از آن را ندارد.^۳

بنا بر روایت ابن‌ندیم پزشک یونانی به نام تیادروس (تتودوزیوس) را برای درمان خود به جندی‌شاپور آمد و به احترام او همکیشان وی را مورد مهربانی قرار دادند، کلیسایی در دوران او در جندی‌شاپور بنا نهاده شد. این پزشک یونانی کتابی در پزشکی نیز به تحریر درآورد.^۴ هم‌زمان با فعالیت‌های این پزشک یونانی مهاجرت نخبگان از شهرهای الرها و نصیبین و پزشکان یونانی و سریانی و مصری و هندی در کنار پزشکان ایرانی به دلیل مزایای بی‌شماری که به آنان ارائه می‌شد به جندی‌شاپور آغاز شد؛ که اینان افزون بر پزشکی به تأسیس رشته‌های مختلفی از جمله کیمیاگری همت گماشتند.^۵

گروهی از اعراب نیز در این مرکز علمی به تحصیل طب و فلسفه و حکمت و موسیقی سرگرم

۱- قفطی، همان، ص ۱۸۴.

۲- پیشین، ص ۱۸۵.

۳- ثعالبی، همان: ج ۱، ص ۴۰۷.

۴- ابن‌ندیم، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر، ۱۳۶۶، ص ۵۳۶.

۵- قفطی، همان: ص ۱۹۳.

جندی‌شاپور در روزگار ساسانیان؛ به روایت منابع اسلامی ۱۷

بوده‌اند، از جمله یکی از دانش‌آموختگان این دانشگاه به برکت هم‌زمانی و مجالست با پیامبر اسلام نامش محفوظ مانده و در کتاب‌های عرب با حرمت بسیار از او نام‌برده‌اند. او حارث بن کلدۀ ثقفی است که پزشک خاص پیغمبر بوده است.^۱ بر پایه گزارش‌های موجود حضرت رسول (ص) نیز گاه بیماران را سفارش می‌کرد برای درمان به او مراجعه کنند. فرزند او نصر بن حارث بن کلدۀ نیز پزشکی را از جندی‌شاپور آموخت؛ بنابراین اعراب پیش از ظهور اسلام به اهمیت و جایگاه علمی جندی‌شاپور توجه داشتند.^۲

۳- وقایع سیاسی جندی‌شاپور در زمان ساسانیان تا فتح آن طبق گزارش مورخان مسلمان

اولین حادثه مهم در تاریخ سیاسی این شهر را می‌بایست مربوط به جنگ‌های شاپور یکم با رومیان دانست. شاپور پس از غلبه بر رومیان و اسیر کردن شمار زیادی از سپاهیان و اهالی شهرهای مرزی روم به ویژه انطاکیه (آنتیوخ)، آن‌ها را در شهری که خود برای این اسرا و به سبب شهرهای روم ساخت اسکان داد.^۳

بر پایه گزارش افسانه‌آمیز از سفر ناشناس شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹م) به روم و گرفتاری او در آن‌جا یاد شده است و این هم‌زمان با حمله رومیان به ایران و جندی‌شاپور است. بر اثر این حمله آن شهر به محاصره دشمن درآمد.^۴

درباره وضع شهر جندی‌شاپور در دوره هرمزد اطلاق در درست نیست تنها اتفاقی که در زمان او در جندی‌شاپور صورت گرفت به دار کشیدن مانی است. وی پس از محکومیت مانی که شاپور اول از او حمایت کرده بود، دستور داد که پوست وی را از گاه انباشته و آن‌گاه آن را بر یکی از دروازه‌های جندی‌شاپور به دار آویزند. آن دروازه تا سده سوم هجری به دروازه مانی

۱- پیشین، ص ۲۲۴.

۲- قفطی، همان: ص ۱۹۳.

۳- ثعالبی، همان: ج ۱، ص ۳۹۶؛ طبری، همان: ج ۲، ص ۵۹۰.

۴- مسعودی، همان، ج ۱، ص ۲۵۲.

۱۸ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

معروف بود.^۱ طبق گزارش‌های نویسندگان اسلامی درباره مجازات مانی در جندی‌شاپور که پیروزی بزرگ و سرنوشت‌سازی برای روحانیت زرتشتی بود. نقش و حضور موبدان زرتشتی را در جندی‌شاپور قابل تأمل می‌نماید.

واقعه مهم سیاسی دیگری که در این شهر روی داد در دوران حکومت انوشیروان (۵۷۹-۵۳۱ م) شورش پسر وی انوشکزاد بود.^۲ که در نتیجه آن شورش شهر توسط سپاهیان اعزامی انوشیروان که برای مقابله با شورش‌گران فرستاده شد، در هم کوبیده شد و شمار زیادی از مردم جندی‌شاپور کشته شدند.^۳ در جریان این واقعه این نکته قابل تأمل است که پایگاه عیسوی جندی‌شاپور چنان نیرومند بود که گاه در رقابت‌های سیاسی درون نظام ساسانی نیز وارد می‌شد. به‌گونه‌ای که مورخان در شورش انوشکزاد که در جندی‌شاپور زندانی بود نقش عنصر مسیحی و حمایت ایشان را مهم می‌دانند.^۴

از این به بعد نامی از جندی‌شاپور در منابع اسلامی نیست تا باری دیگر در جریان فتوحات اعراب مسلمان از جندی‌شاپور سخن به میان می‌آید.

طبری فتح جندی‌شاپور را در سال ۱۷ق. دانسته است. طبری داستان فتح این شهر را چنین بیان می‌کند که ابتدا به‌وسیله فرمانده سپاه اسلام «زر بن عبدالله» محاصره گردید و چون قادر بر فتح آن نبودند «ابوسبره» فاتح شوش به یاری او رفت و مدتی شهر همچنان در محاصره بود، طبری در ادامه می‌نویسد: «ناگهان مسلمانان دیدند درهای شهر گشوده شد و کسان بیرون آمدند و بازارها گشوده شد و مردم به جنبش درآمدند، کسی فرستادند که چه شده است، گفتند: شما امان‌نامه‌ای سوی ما افکندید و ما نیز پذیرفتیم و جزیه می‌دهیم مسلمانان از هم پرسش کردند، معلوم شد بنده‌ای به نام «مکنف» که اصل وی از جندی‌شاپور بود امان‌نامه را نوشته است»^۵

۱- دینوری، همان، ص ۷۴.

۲- ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، تهران: نشر علم، ۱۳۳۸، ص ۱۳۸۴.

۳- ثعالبی، همان، ص ۳۸۶.

۴- تولدکه، همان: ص ۷۱.

۵- طبری، تاریخ طبری، همان: جلد پنجم، ص ۱۹۰۹.

نتیجه

طبق نگاشته‌های نخستین مورخان اسلامی در مورد جندی‌شاپور می‌توان چنین نتیجه گرفت که شهر جندی‌شاپور پایه و اساس شهری داشته و در زمانی که شاپور یکم آن را به عنوان منطقه‌ای برای اردوگاه و اسکان اسیران رومی انتخاب می‌کند، متروک نبوده، بلکه شهری بوده است که از رونق و فعالیت بازمانده بوده است. در مورد دلایل ساخت این شهر نیز نظرات مختلفی وجود دارد که البته نقطه اشتراک آنان این است که به تأسیس و رونق این شهر در زمان ساسانیان توسط شاپور یکم اذعان داشته‌اند. اما بیشترین توجهی که این مورخان به شهر جندی‌شاپور در نگاشته‌های خویش نموده‌اند، توجه به مرکزیت علمی این شهر بوده است. چنان‌که در تمام این منابع به صورت دقیق به حوادثی که در دانشگاه جندی‌شاپور روی داده، پرداخته‌اند.

منابع

- ابن القفطی، قاضی اکرم جمال‌الدین ابوالحسن علی، تاریخ الحکماء، به کوشش بهین دارابی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۶۶.
- اصطخری، ابوالقاسم ابراهیم، مسالک الممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۷۰، چ ۴.
- حمزه اصفهانی، تاریخ پیامبران و شاهان (تاریخ سنی الملوک الارض و الانبیاء)، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۶۷، چ ۲.
- بیضاوی، ناصرالدین، نظام التواریخ، به تصحیح میر هاشم محدث، تهران: انتشارات بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۸۲، چ ۱.
- ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمد، تاریخ ثعالبی (غرر الاخبار ملوک الفرس و سیرهم)، ترجمه محمد فضایی، به اهتمام مجتبی مینوی، تهران: نشر قطره، ۱۳۶۸.

۲۰ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

- دینوری، ابوحنیفه، اخبارالطوال، ترجمه محمود مهدی دامغانی، تهران: نشر نی، ۱۳۶۶.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۵.
- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تهران: نشر علم، ۱۳۳۸.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، آفرینش و تاریخ، ترجمه و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات آگه، ۱۳۷۴.
- نولدکه، تنودور، تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان، ترجمه: عباس زریاب خویی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۸.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸. چ ۳.